

جنبش سندیکایی در ایران

آ. سلطان زاده

در کشورهای عقب افتاده‌ای چون ایران که در آن فئودالیسم هنوز ریشه کن نگشته است، در کشوری که قشر ارتجاعی مالکین ارضی به حمایت روحانیون نادان سیادت می‌کنند، در کشوری که سرمایه دار و رباخوار درنده بر اعماق مناسبات اقتصادی سایه افکنده است، در چنین کشوری جنبش سندیکایی مطمئناً نمی‌توانست به درجه‌ی انکشاف – برابر آن چه در سایر کشورهای سرمایه داری حاکم است – برسد. از جانب دیگر، حالت ابتدایی صنایع از یک سو و نادانی سیاسی توده‌های زحمت کش از سوی دیگر، اجازه نمی‌داد که در قلمرو سندیکایی کار فعالی انجام پذیرد.

نخستین کوشش‌ها برای سازمان دهی سندیکایی در ایران به سال ۱۹۰۶، در زمان نخستین انقلاب (جنبش مشروطه)، هنگامی که کارگران چاپخانه‌های تهران تحت نفوذ نیرومند حزب دمکرات نخستین اتحادیه‌ی خود را ایجاد کردند، انجام گرفت. بعدها هنگامی که ارتجاع در سرکوب بیداد می‌کرد و حزب دمکرات انحطاط یافت، هنگامی که رهبران آن با تحصیل مقام وزارت به محافظین با وفای تاج و تخت ایران بدل گشتند، این سندیکا بدون آن که نتایج جدی‌یی کسب کرده باشد، منحل گشت. این وضع بدون تغییر تا سال ۱۹۱۸، هنگامی که سراسر شمال ایران را قحطی شدیدی فرا گرفت و مرگ صدها هزار نفر را موجب گشت و گرانی (هزینه‌ی) زندگی روز افزون توده‌های وسیعی را تهدید می‌کرد، دوام یافت.

در این هنگام است که کارگران چاپخانه‌ها، اقدام به سازمان دادن افراد طبقه‌ی خود نمودند. اینان پس از اقدام به چند اعتصاب، دولت را مجبور ساختند بر قرارداد دسته جمعی‌ای که تنظیم کرده بودند و مناسبات بین کارگران و کارفرما را تعیین می‌کرد، صحه گذارد. ایشان هم چنین موفق گشتند بهبودی چند را در وضع اقتصادی‌شان تحصیل کنند. این قرارداد، روز هشت ساعت کار، مقررات استخدام و اخراج کارگران، و نرخ اضافه کار را معین ساخت و بهبود وضع بهداشتی کار در چاپخانه و غیره را مطالبه کرد.

این موفقیت نسبتاً قابل ملاحظه‌ی کارگران چاپخانه‌ها، روحیه‌ی کارگران حرف دیگر را که سازمان دهی سندیکاهای خود را آغاز نموده بودند، به مقدار قابل ملاحظه‌ای ارتقا داد. اتحادیه‌ی کارگران ناوایی‌ها (خبازان)، کارگران دست بافی‌ها و پست و تلگراف و تلفن و بالاخره اتحادیه‌ی کارگران کفاشی‌ها، یکی پس از دیگری تاسیس شدند. شورای اتحادیه‌های تهران به سال ۱۹۲۰ تشکیل گردید و وظیفه یافت اتحادیه‌های کارگری را رهبری کند، آموزش دهد و اتحادیه‌های جدیدی را سازمان دهد. این شورا از سه نماینده از هر اتحادیه تشکیل می‌شد.

در آغاز ۱۹۲۲، ده سندیکا با ده هزار عضو کارگر، یعنی ۲۰ درصد از کل کارگران تهران، در شورای سندیکایی عضویت داشتند. به غیر از سندیکای فوق‌الذکر، چندین سازمان کارگری دیگر نیز در شرف تشکیل بود، چون سندیکای دارو سازان و کارگران تراموا و غیره.

نمونه‌ی تهران بزودی از طرف چند شهرستان دنبال شد. دو سال پیش، در تبریز اتحادیه‌ای از کارگران بنام «حزب کارگر» تشکیل گردید. این سازمان بسیاری از ویژگی‌های خاور زمین را با برجستگی‌های بسیاری منعکس می‌سازد. با این همه، موافق نظام نامیه‌ی این حزب کارگری، تنها کسانی می‌توانند به عضویت آن در آیند که از استثمار دیگران زندگی نمی‌کنند. در اواخر ۱۹۲۱، این سازمان در حدود ۳ هزار عضو داشت، ولی نفوذ آن به حد اعضایش محدود نمی‌گشت. در تبریز هم چون در سایر شهرهای بزرگ خاور زمین، کاسب کاران و صنعت‌گران بخش مهمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. قانون اسلام، تجارت را حرفه‌ای محترم (وزین) می‌شمرد. هر مومنینی با اشتیاق به تجارت مشغول

می‌شود. در مرکز شهر، دالان‌های آجری، نوعی سرا، با ورودی و خروجی به همه جهات شهر ساخته شده‌اند. در این جا در مغازه‌های کوچک اجاره‌ای، کاسب کاران کوچک مانند قنادان، کفاشان، زرگران و غیره لول می‌زنند (مملواند). هر حرفه‌ای، بخش معینی از این سرای عظیم را که «بازار» نام دارد، اشغال می‌کند. بازار تبریز، ۱۷ هزار مغازه، انبار و کارگاه و غیره دارد که از آن، ۱۳۰۰ به مالکان کوچک که هم نوعان خود را به مثابه کارگر استثمار نمی‌کنند و از منافع تجاری امرار معاش می‌کنند، تعلق دارد. اینان با استفاده از موقعیت انحصاری خویش به طور نوبتی کرایه‌ی مغازه‌ها را افزایش می‌دهند و برخی اوقات آن را تا حد نرخ مسخره‌ای بالا می‌برند. نتایج چنین روشی به هنگام بحران تجاری پس از جنگ اول جهانی، بحرانی که به شمال ایران که منحصر از طریق تجارت با روسیه زیست می‌کرد، بیش‌تر از هر جای دیگر لطمه وارد ساخت، هر چه بیش‌تر محسوس می‌گردید.

اتحادیه‌ی کارگری (حزب کارگر) به منظور تشدید تضاد بین مالکین بزرگ و صاحبان مغازه‌های کوچک بازار، تصمیم گرفت اینان را برحسب حرفه‌ی‌شان متشکل سازد. جلسه‌ی نمایندگان حرفه، دفتر عمومی‌ای انتخاب نمود که مسایل مهم را در توافق با دفتر اتحادیه‌ی تبریز حل می‌نمود. بدین سان نه تنها رهبری ایدئولوژیک، بلکه هم چنین رهبری عملی این سازمان وسیع که به دور خود بیش از ۱۲ هزار عضو گرد آورده است، در دست اتحادیه (حزب کارگری) است. مهم‌ترین تصمیمات، مهمور به امضای ارگان اجرایی اتحادیه (حزب کارگری) است. مثلاً در سال گذشته بنا بر پیشنهاد اتحادیه، در بازار تخفیف ۲۰ درصدی کرایه‌ی مغازه از طریق انقلابی تحقق یافت. و از این جاست خشم صاحبان مستغلات بازار تبریز. ولی اینان قادر نبودند کاری کنند، زیرا هر مغازه با تکیه به تصمیم حزب کارگری قاطعانه از پرداخت بیش از ۸۰ درصد کرایه‌ی سابق سر باز زد. ابتدا مخبرالسلطنه به نمایندگی دولت با توجه به محبوبیت عمومی اتحادیه، کوشش مجدانه به عمل آورد تا این سازمان را زیر نفوذ خود در آورد، ولی بدان موفق نگشت. و بهتر از آن این که در اکتبر سال گذشته (۱۹۲۱) به دنبال ضرباتی که شهردار شهر به یکی از اعضای این سازمان وارد ساخته بود، اختلافی بین استاندار و حزب کارگری رخ داد. حزب از استاندار خواست شهردار را بر کنار سازد و شخص دیگری را به جای وی منصوب کند. استاندار مقاومت نمود... جریان نزدیک بود به بستن بازار کشانده شود. (در ایران بستن بازار از نظر اهمیت، اقدامی است مهم‌تر از اعتصاب عمومی). در آخر، استاندار امتیازاتی به سود حزب کارگری قائل شد و مساله خاتمه یافت.

در سایر مناطق ایران، اتحادیه‌های کارگری مطابق همان روش تهران سازمان داده شده‌اند. نیرومندترین در میان آن‌ها عبارتند از اتحادیه‌ی کارگران و کارمندان شیلات دریای مازندران. این اتحادیه، ۵ هزار عضو دارد. تعداد معمولی کارگران در حدود ۹ هزار نفر است. در رشت، انزلی و قم و غیره نیز اتحادیه‌ی کارگری وجود دارد. در مجموع در ایران، ۲۰ هزار کارگر سازمان داده شده وجود دارد. چنین انکشافی برای اتحادیه‌های کارگری، وضع اقتصادی بسیار سختی را که کارگران ایرانی با آن دست به گریبانند، توضیح می‌دهد. اتحادیه‌های کارگری ایران، علی‌رغم جوانی‌شان، در نیمه‌ی دوم سال ۱۹۲۱ چندین اعتصاب بسیار موفق سازمان دادند. از آن جمله باید اعتصاب خبازان، کارگران چاپخانه‌ها، کارگران ریسندگی‌ها، پست و تلگراف و تلفن را یاد کرد.

در انزلی، اعتصاب کارگران بندر سازمان داده شد. همه‌ی این اعتصابات ماهیتی صرفاً اقتصادی داشتند. و اما در مورد اعتصاب معلمین (ژانویه ۱۹۲۲) که ۲۱ روز به طول انجامید، این اعتصاب سرانجام شکل یک نمایش واقعا سیاسی علیه دولت را به خود گرفت. دولتی که به مدت ۶ ماه پرداخت حقوق آنان را متوقف ساخته بود. نمایشات به مدت سه روز ادامه یافت. در این تظاهرات، دانش‌آموزان نیز به تعداد زیادی شرکت داشتند. هیجان عمومی در تهران به حد اعلا رسیده بود. عاقبت دولت شتافت و به معلمین وعده داد حقوق آنان را بپردازد. ولی دیگر بسیار دیر شده بود. یک تظاهر

عظیم، که در تاریخ ایران نخستین نمایش بزرگ به حساب می‌آید، موضع کابینه‌ی قوام السلطنه را که از قبل متزلزل بود، درهم کوفت و وی را مجبور به استعفا ساخت. کابینه‌ی لیبرال مشیرالدوله جای وی را گرفت و قول داد یک سلسله اصلاحات رادیکال را متحقق سازد.

با این که اتحادیه‌های کارگری در ایران از شخصیت حقوقی برخوردارند، مقامات دولتی موانع بسیار بر سر راه انکشاف آن‌ها ایجاد می‌کنند. این مربیان (مستشاران) اروپایی هستند، که بیش از همه در این مورد سرکوب شدید را به مورد اجرا می‌گذارند. یک سوئدی بنام مولیتور، که مدیر پست و تلگراف است، توانست انحلال موقتی اتحادیه‌ی کارمندان اداره‌ی تلگراف را فراهم آورد و سپس کوشید پستچیان را نیز مشمول همین سرنوشت سازد.

این مبارزه‌ای طولانی بود. پستچیان جزوه‌ای علیه مولیتور منتشر ساختند و برکناری وی را خواستار شدند. مساله در مجلس مطرح گردید. دولت جانب فونکسیونر خود را گرفت. اتحادیه‌های کارگری به کار تهییجی خود ادامه دادند. در این زمان کابینه‌ی قوام السلطنه طی تصویب نامه‌ای شرکت کارمندان دولتی در اتحادیه‌های کارگری را ممنوع ساخت. این تصویب نامه خشم و نفرت توده‌های مردم را برانگیخت و به سقوط کابینه منتهی شد.

بدین سان، اتحادیه‌های کارگری ایفای نقش نسبتاً قابل ملاحظه‌ای را در زندگی سیاسی ایران آغاز می‌کنند. دفتر مرکزی اتحادیه‌های کارگری که در نوامبر ۱۹۲۱ پایه‌گذاری شد، اکنون مشغول سازمان دهی کارگران معادن نفت جنوب ایران، کارگران روز مزد و هم چنین کارگران سایر رشته‌هاست. دفتر مرکزی وظیفه‌ی سنگینی به عهده دارد: سازمان دهی توده‌ها در کشور عقب افتاده‌ای چون ایران که اوضاع و احوال ویژه‌ی زندگی، شیوه‌های سازمان دهی ویژه‌ای را می‌طلبید که نسبت به آن چه پس از ده‌ها سال فعالیت سندیکایی در کشورهای اروپایی متداول گشت، تا حدی متفاوت است.

ما امیدواریم که با حمایت بین الملل سندیکاهای سرخ، جنبش سندیکایی ایران وظایفی را که در برابر دارد، با موفقیت به انجام برساند.

* * *

منتشره در آثار آ. سلطانزاده، «اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران»، جلد چهارم، به همت خسرو شاکری، ترجمه از متن فرانسوی، L internationale Syndicale Rouge, Avril-Mai 1922، د. ک.